

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

قعرِ ظلمت

شب که در سودای زلفش تا سحر افتاده ام در میان خرمی از مشک تر افتاده ام
دور گشتم از حـریم پاک تو ای آشنا در دیـار ناشناسان در بدر افتاده ام
رنگها دارد دكـان بی متاع زندگی آب جستم در سراب از پا بسر افتاده ام
گر تن آسوده میخواهی، دورویی پیشه کن راست گفتم هر کجا، بر درد سر افتاده ام
مردمان سازند با لیل و نهار روزگـار در میـان همنشینان، بی هنر افتاده ام
او بخواب خوش غنوده همچو گل در شاخ گل من به بستر تا سحر با چشم تر افتاده ام
آب حیوان است ساقی جام می اندر بهار در بهاران خوش بود چون بیخبر افتاده ام

شام تاریک است تیمور هر طرف تا بنگری
در میان قعرِ ظلمت کور و کر افتاده ام

(المان - ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۱)